

متن پرسش

باسمه تعالی: جناب آقای طاهرزاده در سایت بسیج مدرسه معصومیه، مقاله‌ی زیر در معرض طلاب قرار گرفته. آیا این نوع ورود و خروج را نسبت به دولت صلاح می‌دانید؟ اشرافیت دولتی بر علیه جمهوریت دینی دولتی که یاد آورد اشرافیت مسلکی را مردم به اشرافیت رأی ندادند سجاد چاره دان؛ پژوهشگر علوم اسلامی رابطه اشرافیت و اسرافکاری یکی از رذایل اخلاقی که فرد و جامعه را به سوی تباهی و مشکلات عدیده می‌کشاند اسراف است. اسراف عبارت از تجاوز از حدود الهی و گذشتن از خطوط قرمزی است که احکام الهی آنها را تعیین کرده‌اند. در اینجا بطور اجمال به رابطه اشرافیت و اسرافکاری اشاراتی می‌کنیم. □ اشرافیت خاستگاه اسراف به نظر می‌رسد که نوعی رابطه تنگاتنگ میان اشرافیت (ملا و سرمایه داری اترافی) و اسرافکاری وجود دارد. به این معنا که اشرافیگری منش و خصلت اسرافکاری را پدید می‌آورد و آدمی را از رفتارهای هنجاری به سوی نابهنجاری می‌کشاند بلکه چنان که قرآن در تعریف اسراف بیان می‌کند، اشرافیت، آدمی را به سوی فساد سوق داده و از اصلاحیات و اصلاح‌گری باز می‌دارد. بر این اساس کسانی که به خوی اشرافیت مبتلا و دچار می‌شوند، انسان‌های ضد اصلاحی و مفسدانی هستند که با هرگونه کمال‌یابی آفریده‌های زمینی از انسان و غیر انسان مخالفت می‌کنند. رفتارهای ایشان جز فساد و تباهی برای زمین و زمینی‌ها چیزی به ارمغان نمی‌آورد و خود و دیگری را به سوی نیستی و هلاکت سوق می‌دهند. تحلیل قرآن از ایجاد بسیاری از پدیده‌های زیانبار در زمین این است که این امور دستاوردهای بشری است که عامل مهم چنین رفتار و کردار زیانبار را می‌بایست در خلق و خوی زشت بشر یافت که برخاسته از کفر و شرک و نفاق است و در رفتارهای فردی و جمعی به شکل خود برتربینی و غرور و تکبر و یا استکبار و اسراف و مانند آن ظهور و بروز می‌کند. اشرافیت به سبب آن که خود عاملی مهم در ایجاد غرور و تکبر است و چنان که قرآن بیان می‌دارد آدمی هرگاه استغنا و خود را بی‌نیاز جست طغیان می‌ورزد و از حد اعتدال و مرزهای قانونی و فطری بیرون می‌رود، می‌توان گفت که اشرافیت استغنائی چیزی جز فساد و تباهی و مخالفت و در نهایت مبارزه با اصلاحات و اصلاح‌گری به دنبال ندارد. قرآن به مومنان سفارش می‌کند که از کار و روش و فرمان مسرفان پیروی نکنند؛ زیرا مسرفان کسانی هستند که در زمین فساد می‌کنند و اصلاحاتی را انجام نمی‌دهند. (شعراء آیات ۱۵۱ و ۱۵۲) هر چند که در این آیه ریشه اسراف و خاستگاه آن بیان نشده است ولی هرگاه به مطالعه و تحلیل قرآن از زمینه‌های اسراف توجه شود، دانسته می‌شود که ریشه و خاستگاه هرگونه اسراف و تجاوز و تعدی و مانند آن را می‌بایست در اموری چون رفاه دانست که در دست اشرافیت متکبر و مغرور است. خداوند در آیه ۱۲ یونس

در تحلیل ریشه ها و خاستگاه اسراف گری می فرماید: زمانی که خداوند هرگونه امور ضروری و زیانبار را از کسی بردارد و او را در رفاه و آسایش قرار دهد او رفتار اسراف‌ی در پیش می گیرد و خدا و رستاخیز را فراموش می کند. تحلیل آیه از خاستگاه پدیده اسراف کاری در انسان، این است که انسان در هنگام نیاز و وجود ضرر و زیان به خداوند پناه می برد و فشارها و تنگناهای مختلف او را وادار می سازد که به سوی خدا رفته و دست نیاز به سوی آن بی نیاز دراز کند ولی هرگاه خود را از فشار و تنگناها و گرفتاری ها رها شده یافت، خدا را فراموش می کند و از سر بی نیازی و افزایش آسایش و رفاه، دست به اسراف می زند و این گونه است که اعمال اسراف‌ی مسرفان برای ایشان به عنوان کارهای پسندیده زینت داده می شود و در دام استدراج می افتند. □ موارد اسراف اسراف در اصطلاح قرآنی برخلاف آن چه در فرهنگ ایرانی معنا یافته محدود و منحصر به امور خوردنی ها و نوشیدنی ها نیست و به سخن دیگر منحصر در امور اقتصادی نمی باشد، بلکه از دایره گسترده ای برخوردار می باشد و همه امور زندگی بشر در حوزه های اعتقادی و فرهنگی و رفتارهای اقتصادی و سیاسی و نظامی و امور دیگر را در بر می گیرد. اما چه چیزی سبب شده که در فرهنگ ایرانی اسراف تنها در حوزه اقتصادی شناخته و تعریف و محدود شود ، شاید بتوان تکرار آیه: کَلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا (اعراف آیه ۳۱) باشد که ورد زبان توده مردم است و در هر کوی و برزنی به سبب ساختار زیبا و کوتاه و روان و شعرگونه اش مصطلح شده و بر زبان رانده می شود. با این همه می بایست توجه داشت که اسراف در کاربردها و فرهنگ قرآنی شامل امور بینشی و اعتقادی و اخلاقی و فرهنگی و سیاسی و رفتاری و نگرشی می شود. از این روست که خداوند ادعای دروغین نبوت (غافر آیه ۲۸)، تکذیب پیامبران (یس آیه ۱۴ و ۱۹)، تکذیب قرآن (زخرف آیه ۵)، شرک (غافر آیه ۴۲ و ۴۳)، خودکامگی و استبداد (یونس آیه ۸۳ و دخان آیه ۳۰ و ۳۱)، زیاده روی در آشامیدنی ها، خوردنی ها، زینت ها (اعراف آیه ۳۱) و قصاص (اسراء آیه ۳۳) و حتی در انفاق و بخشش اموال در راه خدا (انعام آیه ۱۴۱ و اسراء آیه ۲۹) و رفتارهای نابهنجار جنسی (ذاریات آیه ۳۲ و ۳۴) را از مصادیق و موارد بارز و آشکار اسراف بر می شمارد و از انجام آن باز می دارد و مرتکبان این گونه اعمال را تهدید به عذاب سخت و خواری در دنیا و آخرت می کند. بر این اساس می توان گفت که اشرافیت رفاه زده و مترف به سبب خاستگاه و زمینه های اقتضایی پدیداری اسراف در ایشان، کسانی هستند که به این گونه بینش و نگرش و رفتارهای زشت و فساد انگیز گرایش دارند و در نهایت اشرافیت، موجبات تباهی خود و دیگران را فراهم می آورد. به سخن دیگر اشرافیت و رفاه زدگی اترافی موجب اسراف می شود و آنان نه تنها نسبت به اصول عقلی و عقلایی (اخلاق ها و آداب و سنت های هنجاری) بی اعتنا بوده و از آن تجاوز و تعدی می کنند بلکه انسان هایی هستند که نسبت به آموزه های وحیانی بی اعتنایی کرده و یا به تکذیب و حتی مبارزه و مخالفت با آن می پردازند و در رفتارهای عملی در زندگی فردی و اجتماعی خویش در خوراک و پوشاک و امور جنسی و مانند آن اسراف را پیشه خویش می سازند و راه اتراف و تبذیر را در زندگی خویش هموار می کنند و حقوق فردی و اجتماعی دیگران را زیر پا می گذارند و حتی دست به قتل و کشتار کسانی می زنند که منادی ایشان به سوی

حق و حقیقت و توحید و آموزه های اخلاقی و وحیانی می شوند. (غافر آیه ۲۸) اینان به سبب همین اشرافیت و استغناجویی و احساس خطرناک بی نیازی از خدا و دیگران، انسان های با منش خودپسندی و تکبر و تفاخر هستند و کارهایشان برایشان زیبا و پسندیده جلوه می کند و حتی اطرافیان آنها رفتارهای زشت شان را رفتاری پسندیده جلوه می دهند و رفتارها و کردارهای ناپسند و نابهنجار ایشان را توجیه می کنند. (یونس آیه ۱۲) خود برتربینی و بی نیازی آنان را به خودکامگی و استبداد می کشاند و در زندگی اجتماعی به دیگران ظلم و ستم روا می دارند و خود را برهمگان برتر می شمارند. (یونس آیه ۸۳ و دخان آیات ۳۰ و ۳۱) به هر حال اسراف که در فرهنگ قرآنی به معنای هرگونه تجاوز از حدود و مرزها و خطوط تعادلی در هر کاری است (مفردات راغب اصفهانی ذیل واژه سرف) دارای خاستگاهی چون اشرافیت و آسایش اترافی و رفاه زدگی است. انسان های رفاه زده و اسراف بی نیاز از خدا، در هرکاری از کارهای خویش چون امور اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و حتی بینشی و نگرشی و اعتقادی راه اسراف را می پیمایند و به سبب غرور و بی نیازی خویش خدا را بنده نیستند و در زمین فساد می کنند و آن را گسترش می دهند و جلوی اصلاحات را نیز می گیرند. (یونس آیه ۱۲) ویژگی های اشراف چنان که گفته شد مراد از اسراف و اشرافیت در این نوشتار، مترفان و ملا هستند؛ هر چند در ادبیات و فرهنگ عربی اسراف جمع شریف به معنای بزرگ قدر و اصیل و پاک نژاد و مانند آن می باشد (لغت نامه دهخدا) ولی در فرهنگ ایرانی مفهوم خاصی از اشرافیت فهمیده می شود که با واژگان عربی ملا و مترف و مانند آن هم معنا و مفهوم می باشند. در این نوشتار منظور از اسراف کسانی هستند که به سبب توانایی اقتصادی و سرمایه زیاد و شگفت انگیز و نیز قدرت و امکانات مادی فراوان دارای رفتاری اسراف گونه هستند. از نظر قرآن اشرافیت به معنای پیش گفته (ملا و مترف) انسان های مرتجع و واپس گرا در برابر اصلاحات سازنده (زخرف آیه ۲۳)، افراطی و اسرافکار (کهف آیه ۲۸)، بدخلق و درشت خوی (قلم آیه ۱۰ تا ۱۴)، کراهت از حق و حقیقت (مومنون آیه ۶۴ و ۷۰) استکبار در رفتارهای اجتماعی و سیاسی (یونس آیه ۷۵ و مومنون آیه ۴۵ و ۴۶) افسادگری (اعراف آیه ۱۰۳) تهمت (اعراف آیه ۱۰۸ و ۱۰۹ و ۱۲۷) ظلم و ستم (اعراف آیه ۱۰۳) جرم گرایی (هود آیات ۲۵ تا ۳۵) افراط کاری (کهف آیه ۲۸)، جاه طلبی (بقره آیه ۲۴۶ و ۲۴۷) غرور و تفاخر (کهف و انکار حق (اعراف آیه ۶۶ تا ۹۰) کوردلی (اعراف آیه ۵۹ و ۶۴) هستند. نتیجه چنین منش و خلق و خوی چیزی جز ارزش گذاری های نادرست و غلط (بقره آیه ۲۴۶ و ۲۴۷) امتیاز طلبی و زیاده خواهی (زخرف آیه ۳۱) حسادت نسبت به دیگران (ص آیه ۶ و ۸) تهدید نسبت به اصلاح گران و اصلاح طلبان (اعراف آیه ۸۸) فریبکاری و توطئه نسبت به مردم و جامعه (مومنون آیه ۲۳ و ۳۴) واسراف گری و هر چیزی که در حوزه تجاوز و تعدی و ظلم و ستم می باشد، نخواهد بود. از این روست که می توان گفت اشرافیت به معنای پیش گفته خاستگاه و سر منشاء بسیاری از فسادها و تباهی ها و مشکلات فردی و اجتماعی است که به بخشی از آن در این جا اشاره شده است، یکی از مهم ترین خاستگاه های اسراف (به مفهوم قرآنی) همین اشرافیت پیش گفته است. اشرافیت و

جمهوریت تقابل ناهمگون انقلابی که می بینید هست حاصل پرپرشدن لاله های سرخ انقلاب روح الله است. حاصل یا رب یارب مقربان کوی لقای الهی است. خاطره ای از امام خمینی-رضوان الله تعالی علیه- بگویم: دو خاطره از ساده زیستی امام خمینی(ره) آیت الله مسلم ملکوتی از شاگردان قدیمی حضرت امام بودند که توفیق درک محضر ایشان را در ایران و نجف داشته اند. ایشان که از نزدیک با بیت حضرت امام در نجف مرتبط بوده، درباره خانه امام در نجف و ساده زیستی ایشان دو خاطره خواندنی تعریف نموده است: «این منزل در شارع الرسول قرار داشت و آقای شیخ نصر الله [خلخالی] آن را اجاره و تهیه کرده بود. این منزل دو طبقه داشت و در هر طبقه دو اتاق که مساحت هر کدام دوازده متر بود، وجود داشت. یکی از اتاق ها مخروبه بود و قابل استفاده نبود و چون آشپزخانه اش کوچک بود، ظروف و چراغ غذا را در حیاط می گذاشتند. هنگام ورود امام به نجف، یکی از اطاق ها برای امام اختصاص یافت. ... حضرت امام به مدت ۱۵ سال در این خانه اجاره ای مانند سایر طلاب معمولی زندگی کرد. بارها نزدیکان خواستند یک کولر بر یکی از اتاق ها نصب کنند، اما امام با لحن شدید فرمود: "شما دست به یکی کردید تا مرا جهنمی کنید." و مانع از این کار شد. تا اینکه پس از چند سال، دیگر به اصرار زیاد برخی اعظم قبول کردند یک پنکه در آن گذاشته شود. اتاق بیرونی حضرت امام با زیلوهای فرسوده پوشیده شده بود. یک وقت برخی نزدیکان عرض می کنند: "این ها مناسب منزل شما نیست اجازه بدهید آنها را تعویض کنیم." امام در جواب می فرماید: "مگر منزل صدر اعظم است؟! و اجازه تعویض نمی دهد." (خاطرات آیت الله مسلم ملکوتی، چاپ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، صفحه ۱۸۵) در زمان ریاست جمهوری مقام معظم رهبری ایشان غذای بسیار ساده می خوردند و عنوان می کردند گوشت گرم تابحال از بازار نخریده‌ام و مانند مردم گوشت یخی با کالابرگ تهیه می‌کنم ضمن اینکه فرش دستباف موجود هم جهیزیه خانم من است که البته نخ‌نما شده است. (آیت الله مصباح یزدی) نمی شود در کلامتان امام گفت و در عملتان امام را از صفحه برنامه هایتان حذف کرد... نمی شود امام را از عینک اشرافیت تحلیل نمود... نمی شود ساده زیستی امام امت را در کوچه های سیاه و سرد اشرافیت از یادها و خاطره ها زدود... امام را امامی دیگر ظهور نموده است... ساده زیستی روح الله میراثی بود حضرت سید علی ماه خامنه ای یمان به ارث برده است... در خیابان فلسطین تهران بوی سادگی و بی پیرایشی «ولی» به مشام جمهوریت می آید. اشرافیتی که در دولت دیده می شود ظهور سازندگی بدون در نظر گرفتن مستضعفین است... کاخ سعدآباد را می گویم، آنجایی که جمهوریت به فراموشی سپرده می شود... آنجایی که یاد نمی آورد مادر شهید را... آنجایی که «کیشی» دیگر است اما در دل تهران مدرنیته معمار... کاخی که بوی خدا نمی دهد برای جمهوریت دینی... کاخی در برابر حسینه روح الله است... کاخی که دیپلماسی خمینی را نادیده گرفت... کاخ که می رفت و می رود که «جغرافیای معرفتی روح الله» را در کوچه پس کوچه های انفعال دیپلماسی با اندکی لبخند پیران و گفتاران خارجه غرب به مزایده گذارد... آری کاخ یاد می آورد پلمب هسته ای را... یاد می آورد ظهور دیپلماسی انفعالی را... یاد می آورد ۲ سال عقبگرد هسته ای را... یاد

می آورد خشنودی صهیونی را... نمی شود از امام گفت و به کلام و آرمان امام پشت کرد... پاس می داریم خون شهدا را... پاس می داریم کلام روح الله را... پاس می داریم دیپلماسی سید علی را... پاس می داریم عدالت مهدوی را... پاس می داریم قلم فرسایی آوینی را... پاس می داریم یتیم های محلی را... خزانه امنیت خالی است... خزانه اقتصادی خالی است... خزانه فرهنگی خالی است... خزانه امریکا سرشار از دلارهای زیباییست!!! اشرافیت قاتل جمهوریت دینی است... اشرافیت یعنی ماشین های لوکس... اشرافیت یعنی شوی دختران بزک کرده در کاخ سعدآباد... اشرافیت یعنی با ادب دانست مستر اوباما... اشرافیت یعنی خوشگذرانی در کیش... در منطقه آزاد... آزاد... آزاد... آزادی از «ساده زیستی ولی»... آزادی از درد جمهوریت... آزادی از همه چیز حتی خدا... منبع: سایت بسیج مدرسه معصومیه

متن پاسخ

- باسمه تعالی: سلام علیکم: با توجه به این که رهبری عزیز در سخنان اول فروردین از کانون ها و نیروهای متعهد به انقلاب خواستند بدون تخریب دولت انتقادهای خود را داشته باشند و این تذکر رهبری حاکی از آن است که حداقل در بدنه‌ی دولت جریان‌هایی نفوذ دارند که نمی‌توان گفت نسبت به اصل نظام اسلامی تعهدی دارند، وظیفه‌ی هرکسی هست که با تذکرات و انتقادات اجازه ندهد سخنان آن افراد فضای انقلاب اسلامی را برای جوانان مکدر کند و لذا انتقاد وقتی در راستای نکته‌ی فوق‌الذکر باشد نه تنها لازم بلکه واجب است. فراموش نکنید که از زهرای مرضیه «سلام‌الله‌علیها» بگیریید و زحمات آن انسان متعهد تا تحمل سختی‌های آنچنانی علی مرتضی «علیه‌السلام» و خون‌های ریخته‌شده‌ی شهداء و آه و سوز همسران و مادران شهداء همه برای آن است که این انقلاب در مسیر اهداف الهی خود جلو برود و نمی‌توان ناظر بعضی از سخنان افرادی بود که گویا تا حدّ مستعمره‌شدن ایران اسلامی در ذیل کثیف‌ترین تمدن تاریخ راضی هستند. حداقل نتیجه‌ی این نوع انتقادات آن است که دولت محترم نسبت خود را با این‌گونه افکار و افراد مشخص می‌کند و گرنه همه‌ی ما سخت باید مواظب باشیم دولت اسلامی تضعیف نشود. و دولت نیز باید مواظب باشد در جاده‌ای قرارش ندهند که آن جاده به آرمان‌های انقلاب اسلامی منتهی نشود. موفق باشید